



پادشاهی خدا به کودکان هم تعلق دارد

(برنامه شاگردسازی کودکان)

درس ۲

خلقت، داستان آغاز همه چیز



درس ۲: خلقت، داستان آغاز همه چیز

پیشگفتار

کودکان داستان خلقت را خیلی دوست دارند. چقدر شگفت‌انگیز است که «هستی‌ای» وجود دارد که هر آنچه که می‌بینیم را «فقط» در شش روز خلق کرده است. همهٔ کودکان با این آگاهی یا باور درونی متولد شده‌اند که چیز بزرگ‌تری وجود دارد. رازهای جهان در انتظارشان است و آنها بی‌صبرانه مشتاقند که به این رازها پی ببرند. ما با تعلیم داستان خلقت، به آنها کمک می‌کنیم که پاسخ این رازها را بیابند. چچه‌ها نیاز به پاسخ دارند. آنها با اشتیاقی که خداوند به آنها داده است، برای یافتن پاسخ متولد شده‌اند. خدا ما را با اشتیاق طبیعی برای یادگیری و درک آفریده و اگر تسلیمش شویم، تضمین می‌کند که از هر آنچه او می‌خواهد، آگاه می‌شویم.

اکنون داستان خلقت برای ما اهمیت خاصی دارد؛ زیرا در دنیایی زندگی می‌کنیم که فراموش می‌کند خدایی وجود دارد، اعتقاد به وجود «هستی‌ای» بزرگ‌تر را بی‌اهمیت می‌شمارد و برای زیستن ما در جایی که هستیم یا چیزهایی که امروز از آنها برخورداریم، دلایل کاذبی را ارائه می‌دهد. این موضوع در بسیاری از مدارس سراسر جهان و در برنامه‌های تلویزیونی دیده می‌شود. گاهی اوقات مردم نمی‌دانند که خودشان هم این دروغ‌ها را تعلیم می‌دهند، اما در حقیقت چنین کاری را می‌کنند. شاید تعلیم داستان خلقت توسط ما، تنها چیزی باشد که دلیل وجود همهٔ این چیزها را به کودکان بگوید. اینکه خدایی وجود دارد و آنقدر ما را دوست دارد که همهٔ اینها را برای ما آفریده و از همهٔ چیزهایی که آفرید، خشنود بود و اکنون خواهان برقراری رابطه با ماست!

در کشورهایی که مردم تحت ظلم و ستم هستند، اعتقادات درونی‌شان سرکوب شده و سنگینی دائمی‌ای در فضا وجود دارد. در این شرایط، بسیار مهم است که کودکان بدانند «هستی» بزرگ‌تری وجود دارد که



مراقب آنهاست و آنها را دوست دارد. آنها در دنیای بدون امید زندگی می‌کنند. دنیایی که در آن، آینده پوچ و بی‌معنی است. دنیایی که در آن نمی‌دانند که روز بعد چه رنجی در انتظارشان است. این مسائل برای آنها طاقت‌فرسا است و شاید باور نکنید، اما بسیاری از کودکان به خاطر این چالش‌ها نمی‌خواهند که زندگی کنند. وقتی دربارهٔ خلقت به کودکان تعلیم می‌دهیم، در واقع به آنها نشان می‌دهیم که کسی وجود دارد که آنها را دوست دارد، همه چیز را دربارهٔ آنها می‌داند و دائماً به آنها فکر می‌کند. این به آنها امید می‌بخشد. خدای قدرتمندی وجود دارد که همهٔ جهان و همهٔ چیزهای موجود در آن را آفریده و بعد ما را آفریده تا با او رابطه داشته باشیم!

شاید فکر کنند: «وای! خدا واقعاً به ما اهمیت می‌ده.» اگر این تنها چیزی است که می‌توانیم در کل زندگی به آنها بدهیم، همین کافی است تا به آنها امید ببخشد و این احساس را ایجاد کند که همه چیز تحت کنترل خداست، او آنها را فراموش نمی‌کند و حتی به تعداد موهای سرشان نیز اهمیت می‌دهد! بگذارید چنین امیدی به آنها بدهیم، بگذارید به آنها بگوییم که چقدر برای خدا خاص هستند، بگذارید به آنها دلیلی برای زندگی در آینده بدهیم، دلیلی برای اینکه سر خود را بلند کنند؛ چون آنها عجیب و مہیب ساخته شده‌اند! (مزامیر 139: 14). خدا شما را برای انجام این کار برکت خواهد داد!



نگاهی به کتاب مقدس:

پیدایش ۱:۱ تا ۲:۴

آیه کلیدی:

مزامیر ۱۳۹:۱۴ «تو را سپاس می‌گویم، زیرا عجیب و مهیب ساخته شده‌ام؛ اعمال تو شگفت‌انگیزند، جان من این را نیک می‌داند.»



مفهوم کلیدی:

خدا جهان را در شش روز آفرید و از آنچه که آفریده بود، بسیار خشنود بود. ما بخشی از این خلقت هستیم و برای خدا بسیار منحصر به فرد و ارزشمندیم!



اهداف درس (دانستن، احساس کردن، انجام دادن)

- ۱- بدانند خدا جهان را در شش روز آفرید، روز هفتم استراحت کرد و از نتیجه کارش بسیار خشنود بود. او هر یک از ما را منحصر به فرد و با دقت و توجه زیاد آفرید.
- ۲- احساس کنند برای خدا خاص و ارزشمند هستند. او از تعداد موهای سرشان آگاه است و برای هر کدام از آنها نقشه خوبی دارد.
- ۳- به دیگران بگویند که چقدر برای خدا خاص هستند و به این ترتیب، دیگران را تشویق کنند به دنبال چیزهایی باشند که خدا آفریده و برای آنها شکرگزاری کنند.



وسایل مورد نیاز:

- کتاب مقدس
- کیسه / سبد هدایا
- سرودهای پرستشی کودکان
- خوراکی
- خمیربازی
- دستورالعمل‌های طراحی داستان
- ماژیک یا وسایل نقاشی
- برگ‌های درختانی که از محله خود جمع‌آوری کرده‌اند
- کاغذ (مقوا) رنگی، مداد و قیچی یا رنگ‌های قابل شستشو و کاغذ (مقوا) رنگی



خوشامدگویی:

- سرود خوشامدگویی
- خوراکی: خوراکی‌هایی را به بچه‌ها بدهید که نیاز به تمیزکاری بعد از خوردن نداشته باشند.
- مانند آب‌میوه و بیسکویت. زمانی را برای خوردن خوراکی‌ها تعیین کنید: مثلاً ۱۰ دقیقه.
- زمان گفت‌وگو: با بچه‌ها درباره هفته‌ای که داشتند صحبت کنید. از آنها بپرسید چه کارهایی کردند، چه احساسی داشتند و... نشان دهید که به آنها اهمیت می‌دهید.
- در مورد درس هفته گذشته از آنها سؤال کنید.



پرستش و هدیه:

- سرودهایی درباره خلقت، طبیعت، نیکویی خدا
- جمع‌آوری هدیه بچه‌ها (به یک سبد یا کیسه برای جمع‌آوری هدایا نیاز دارید. به آنها بگویید که این هدایا را به عنوان پرستشی برای خدا جمع‌آوری و از آن برای کمک به دیگران استفاده می‌کنید.)



آفرینش

یک دو سه چهار و پنج و شیش
یک آسمون آبی خورشید و ماه و ستارگان
یک دو سه چهار و پنج و شیش
ماهیان و جانوران پروانه و پرنندگان
یک دو سه چهار و پنج و شیش
خدای ما تواناست اون خالق آسموناست
و خدا دید هر چی رو که ساخته بود
همه چیز عالی شده پُرآبتهت
روز هفتم باشه واسه پرستش
یک دو سه چهار و پنج و شیش

تو شیش روز خدا دنیا رو آفرید
جنگل و دریاها گیاهان و درختان
تو شیش روز خدا دنیا رو آفرید
خرس های قطبی حتی شیران غران
تو شیش روز خدا دنیا رو آفرید
در روز ششم اما خدا انسان رو آفرید
دید که همه چیز خیلی خوب شده بود
دیگه شده وقت استراحت
همه خداوند رو کنیم ستایش
تو شیش روز خدا دنیا رو آفرید



دعا برای درس:

درس را با دعا شروع کنید. خدا را برای همه چیزهایی که آفریده، شکر کنید. از خدا بخواهید که در دل کودکان برای همه چیزهایی که آفریده، حس قدردانی ایجاد کند. از خدا بخواهید به آنها کمک کند تا درک کنند که خاص هستند؛ زیرا خدا آنها را آفریده و آنها را دوست دارد.

قلاب (جلب توجه آنها)

ج

بگویید: «امروز می‌خوایم خمیر بازی کنیم. بازی با خمیر رو دوست دارین؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). بعضی از شماها حتماً دوست دارین. حُب، امروز به هر کدوم از شما یه کمی خمیر می‌دم و می‌خوام که یک چیز مخصوص درست کنین. می‌تونین هر چیزی که به فکرتون می‌رسه رو درست کنین، باشه؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). عالیه، بفرمایین. (به هر یک از بچه‌ها تکه‌ای کوچک از خمیربازی را بدهید، به اندازه‌ای که فقط یک چیز درست کنند و درحالی‌که با آنها گفتگو می‌کنید، ۵-۱۰ دقیقه زمان بدهید تا چیزی بسازند).»



نزدیک به اتمام کار، پیش از آنکه کِسل شوند و چیز دیگری درست کنند، بگویید: «حُب، بذارین ببینیم هر کدومتون چی درست کردین. (به کل کلاس توجه کنید، از هر یک از آنها بپرسید که چه چیزی درست کرده‌اند. به یاد داشته باشید که اجازه ندهید در این کلاس با خنده، دیگران را مسخره کنند یا نظرات منفی بدهند؛ زیرا باعث دلسردی‌شان می‌شود و عزت‌نفسشان را کاهش می‌دهد). به‌به، چه چیزهای جالبی درست کردین. همه اینها فکر خودتون بوده؟ خیلی خوب و جالبین.»

«تک‌تک چیزهایی که درست کردین، خاصن. می‌دونین چرا؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). چون شما اونا رو درست کردین. تک‌تک شما با فکر و با نظر خودتون یه چیزی رو درست کردین. چه احساسی دارین از اینکه یک چیز خاصی رو با خمیربازی خودتون به‌وجود آوردین؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). خوشحالین؟ به خودتون افتخار می‌کنین؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). حُب بایدم افتخار کنین. تک‌تک چیزایی که درست کردین منحصر به فرد و خاصن، فقط به این خاطر که شما اونا رو آفریدین و همه شما خاص هستین!»

«راستی! می‌دونستین که خدا همه جهان رو آفریده؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). حُب، خدا خیلی وقت پیش، جهان رو آفرید. او همه چیزایی که توی این جهان رو «فقط» توی شش روز آفرید. خدا خیلی دوستشون داشت! خدا هنوز هم مشغول آفریدن. او همه شما رو آفریده و دوستتون داره. شما خلقت خاص خدا هستین!»



کتاب (بر اساس درسی از کتاب مقدس)

بگویید: «هفته گذشته، درباره داستان کلی کتاب مقدس صحبت کردیم. می‌دونستین که کتاب مقدس دو قسمت داره؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). بله، عهدعتیق و عهدجدید. عهدعتیق درباره چیزاییه که قبل از اومدن عیسی به روی زمین اتفاق افتاد و عهد جدید، درباره بعد از اومدن عیسی. خیلی جالبه، مگه نه؟! حُب، امروز می‌خوایم داستان خلقت رو بخونیم که توی «کتاب پیدایش» نوشته شده. اولین کتاب کتاب مقدس و اولین کتاب عهدعتیق. آماده این راجع به اینکه چطوری این جهان و همه چیزایی که توش به وجود اومده یاد بگیرین؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). باشه، پس بیاین شروع کنیم!»

«خیلی خیلی وقت پیش، قبل از اینکه جهانی که ما می‌شناسیم درست بشه، هیچ چیزی نبود! هیچ چیز! می‌تونین تصور کنین چه شکلی بوده؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). همه چیز خیلی تاریک بود، نه خونه‌ای بود، نه حیوونی، نه آدمی، نه گیاهی، نه آسمون، نه اقیانوس، نه درخت، نه خاک... هیچ چیزی نبود. وای! به نظرتون این عجیب نیست؟ دوست داشتین که تو اون زمان زندگی می‌کردین؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). نه؟ حُب به هر حال نمی‌تونستین این کارو بکنین، چون هیچ آدمی نبود. (بخندید).»

«اون موقع به غیر از خدا هیچ چیز دیگه‌ای نبود و خدا هم نیازی به خونه نداره که توش زندگی کنه. می‌دونستین؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). خدا همه جا هست و می‌تونه هر جایی که می‌خواد، باشه. پس وقتی هیچ چیز دیگه‌ای نبود، خدا اونجا بود. همه جا تاریکی بود! (با مداد شمعی تیره خط خطی کنید تا یک چیز تیره را نشان بدهید) شما تاریکی رو دوست دارید؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند).»

«حُب، یه روز خدا تصمیم گرفت که یه چیز فوق‌العاده درست کنه. پس گفت: "روشنایی باشه." (با صدای قوی بگویید). می‌دونین چه اتفاقی افتاد؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). روشنایی شد! (با مداد شمعی زرد، انفجار نور را بکشید تا نور را نشان بدهید). خدا اسم روشنایی رو گذاشت «روز» و اونو از تاریکی جدا کرد تا «شب» رو درست کنه! و خدا دید که «نیکوست». (سعی کنید بچه‌ها را تشویق کنید که این عبارت را یاد بگیرند و در هر روز از خلقت آن را با شما تکرار کنند). پس این کاری بود که خدا در روز اول خلقت انجام داد. (اگر لازم است یا مایلید، می‌تونید تصاویری از صفحات داستان کتاب مقدس



را برای پشتیبانی از این داستان نشان بدهید.»

«روز دوم خدا گفت: "فضایی بین آب‌ها باشد، تا آب‌ها را از آب‌ها جدا کند." می‌دونستین که قبل از روز دوم، آسمون و آب‌ها یکی بودن؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). حُب، خدا می‌خواست اونا رو جدا کنه و این دقیقاً همون کاری بود که انجام داد. او گفت: "آسمان و آب‌ها از یکدیگر جدا باشند." و جدا شدن! یه دفعه، آسمون بالا بود و آب‌ها پایین. (برای نشان دادن آن، اقیانوس، آسمان و ابرها را بکشید). وقتی خدا به اون نگاه کرد، چی دید؟ او دید که «نیکوست». (بچه‌ها را تشویق کنید که هر بار به این جمله از داستان می‌رسید، آن را با شما تکرار کنند).»

«روز سوم، خدا تصمیم گرفت که آب‌ها رو در کنار هم جمع کنه تا اقیانوس‌ها، رودخونه‌ها، دریاچه‌ها و... رو درست کنه. او می‌خواست که زمین خشک رو جلوش ببینه. پس گفت: "آب‌های زیر آسمان در یک جا جمع شوند و خشکی ظاهر شود." می‌دونین چه اتفاقی افتاد؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). آب‌ها جمع شدند تا اقیانوس‌ها، دریاچه‌ها و رودخونه‌ها رو درست کنن و زمین خشک شد و دره‌ها، دشت‌ها و کوه‌ها ظاهر شدن. (کوه‌ها، دره‌ها و رودخانه‌ها را بکشید). شگفت‌انگیزه، مگه نه؟ خدای ما خیلی قدرتمنده!»

«بعد، خدا دید که روی زمینی که آفریده، هیچ چیز زنده‌ای نیست. پس گفت: "چیزهایی بر روی این زمین رشد کنند. درختان، گل‌ها، علف‌ها، میوه‌ها، سبزیجات، دانه‌ها و همه چیزهایی که می‌توانند روی زمین رشد کنند." (میوه‌ها و درختان را ترسیم کنید). می‌دونین که چه اتفاقی افتاد؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). درسته، همه اونا روی زمین رشد کردند. گُلا از تو زمین بیرون اومدن و درختا میوه‌ها و سبزیجات و دونه‌ها روی زمین رشد کردن. کم‌کم زمین رنگارنگ شد! پس، خدا نگاه کرد و چی دید؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). دید که «نیکوست». درسته!»

«خدا این سه روز خیلی کار کرد. به نظرتون کار خدا تموم شده بود؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). دیگه چی باید بیافرینه (اجازه دهید که پاسخ دهند). خیلی چیزا مونده که باید بیافرینه، مگه نه؟ پس من فکر می‌کنم که هنوز کارش تموم نشده، درسته؟ بیاین ببینیم که او دیگه چه چیزایی رو آفرید...»



«روز چهارم، خدا یه نور روشن و خاصی به وجود آورد و تو آسمون گذاشتش تا توی روز بدرخشه. می‌دونین اون چی بود؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). بله، اون خورشید بود. خورشید بزرگ و زیبا که توی روز به ما نور و یه هوای گرم و خوب می‌ده. خدا رو به خاطر خورشید شکر کنین! (خورشید را بکشید). بعد خدا تصمیم گرفت که ماه و ستاره‌ها رو برای شب بیافرینه. و این کار رو کرد! هر دوی اون‌ها رو تو آسمون گذاشت تا بدرخشن و ما ببینیمشون. (ماه و ستارگان را بکشید). چه فکر خوبی بود! من به خاطر خورشید، ماه و ستاره‌ها شکرگزارم. اونا خیلی مهمن. حُب، به نظرتون بعدش خدا چی کار کرد؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). خدا به چیزایی که آفریده بود نگاه کرد و دید که «نیکوست»».

«پس روز پنجم شد. اون روز خدا تصمیم گرفت که حیواناتی رو به وجود بیاره که تو دریا و آسمون زندگی کنن. او پرندگان رو آفرید تا بالای سر ما پرواز کنن. او ماهی‌ها رو آفرید تا تو اقیانوس‌ها شنا کنن. او کوسه‌ها، ماهی‌های آزاد، هشت‌پاها، خرچنگ‌ها و هر ماهی دیگه‌ای که شما اسمش رو می‌دونین، آفرید (یک ماهی و یک پرنده بکشید). اونا خیلی با هم فرق داشتن. همشون رنگارنگ بودند و برای خدا باارزش. اونا توی همه آب‌ها و آسمون پخش شدن و از همه چیزایی که خدا برای اونا آفریده بود، لذت می‌بردن و رشد می‌کردن. شما ماهی‌ها رو دوست دارید؟ پرنده‌ها رو چی؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). ماهی‌ها رو کجا می‌شه دید؟ پرنده‌ها رو کجا؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). بله، توی اقیانوس، دریاچه‌ها و رودخونه‌ها؛ ماهی‌های زیادی می‌شه دید و تو آسمون، پرنده‌های زیادی. پس خدا نگاه کرد و دوباره دید که «نیکوست»!»

«روز ششم شد. اون روز، خدا حیوونا رو آفرید تا روی زمین راه برن. (یک حیوان بکشید). شما چه حیوونی رو دوست دارین؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). حُب، حالا می‌تونین به خاطر این حیوونای فوق‌العاده‌ای که خیلی دوستشون دارین، از خدا تشکر کنین. خدا حیوونای مختلف و زیادی رو آفریده، مگه نه؟ شما چه حیوونای دیگه‌ای رو می‌شناسین؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). وای! چه خوب که شماها اسم این همه حیوون رو بلدین. بعد از اینکه خدا حیوونا رو آفرید، به اونا گفت که به همه جای زمین برن و لذت ببرن! و اونا هم این کار رو کردن و کم‌کم تعدادشون زیاد شد.»

«اما خدا هنوز کارش رو تموم نکرده بود. روز ششم تموم نشده بود. کار خلقت هم تموم نشده بود.»

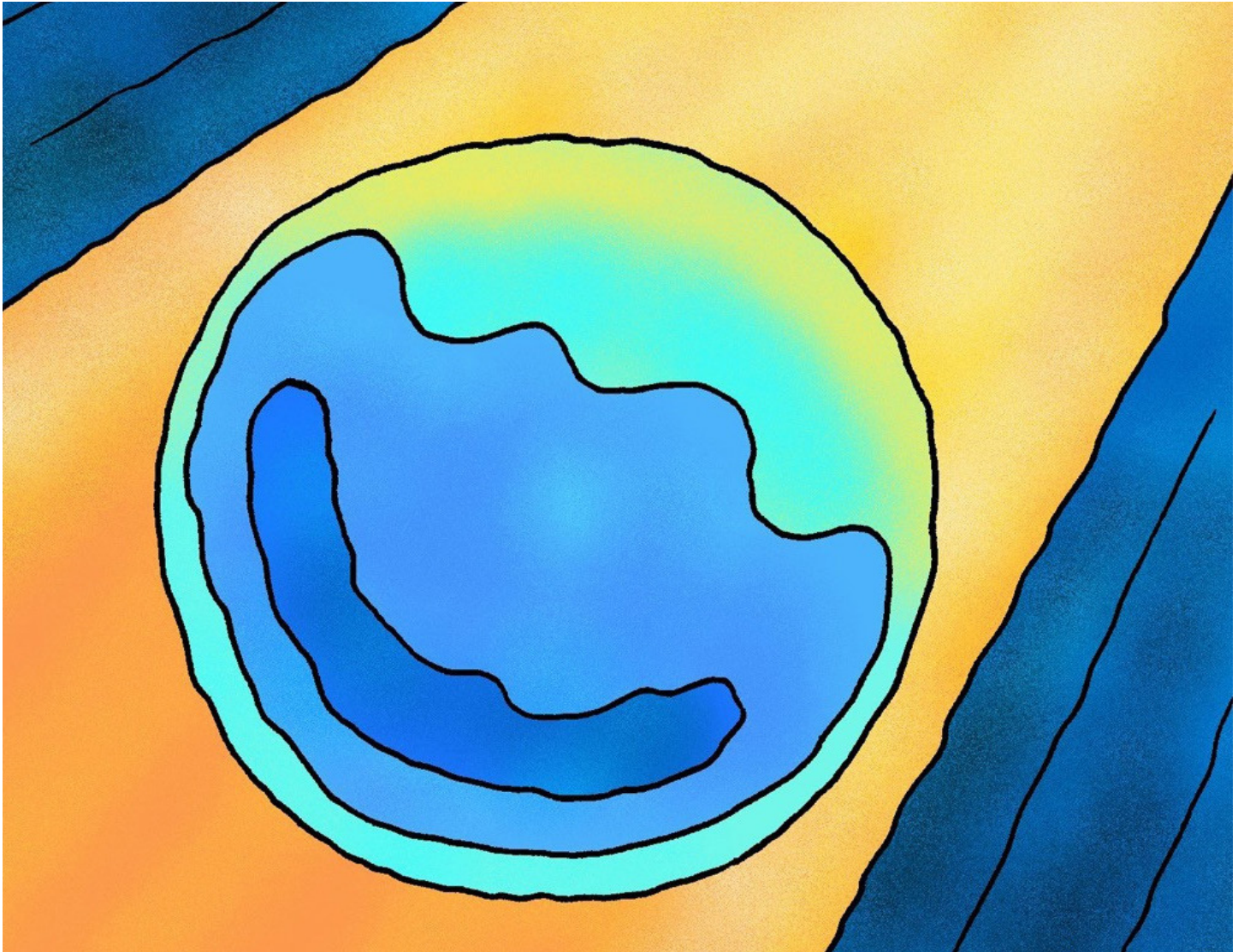


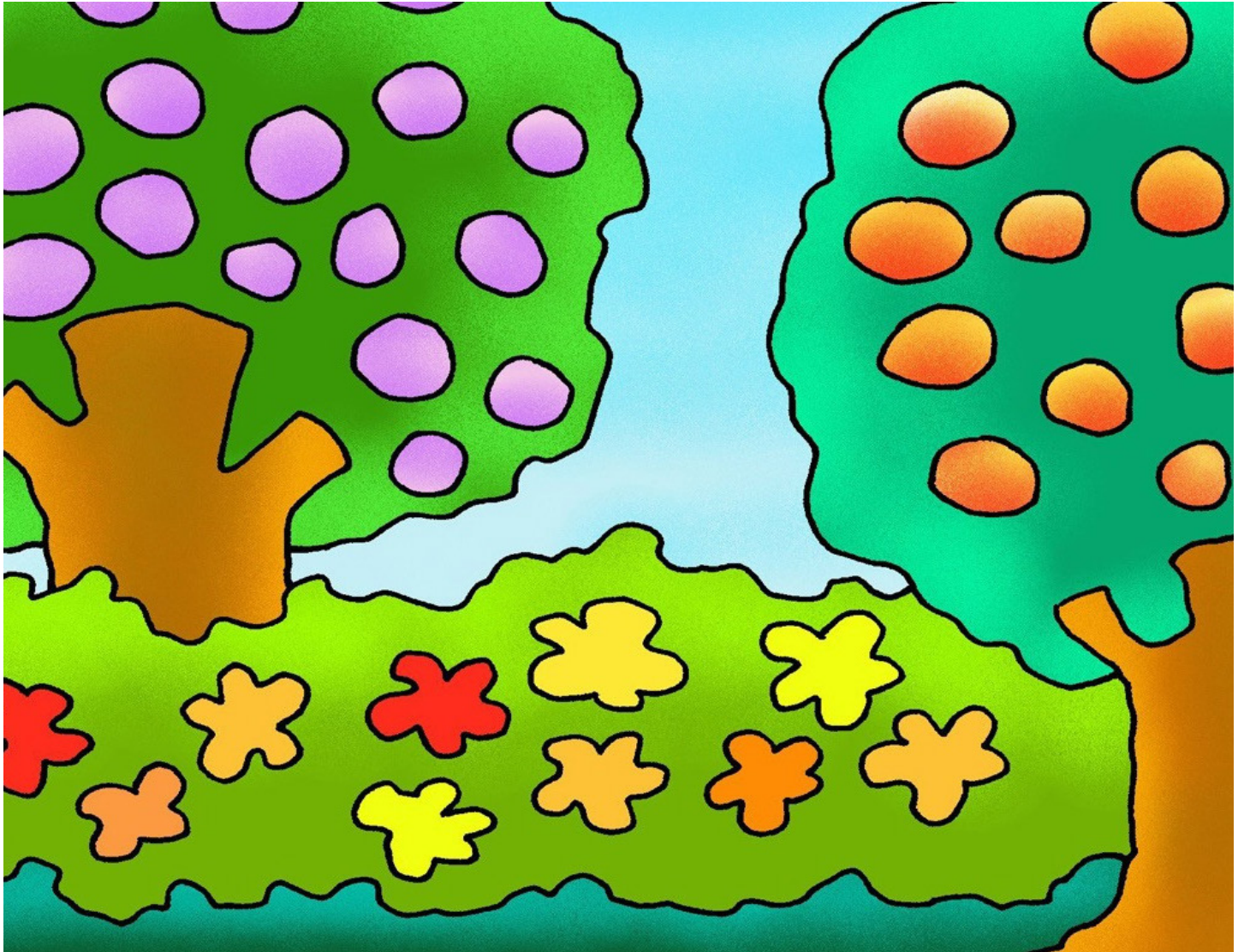
می‌دونین که خدا بعداً تو روز ششم چی آفرید؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). به نظرتون چی مونده که باید آفریده بشه؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). هنوز آدما وجود نداشتند. زمین بدون آدما چی کار کنه؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). این چیزی بود که به فکر خدا هم رسید. پس خدا گفت: "زن و مرد روی زمین باشن. اونا به صورت من و شبیه من باشن و از همه چیزای روی زمین، مراقبت کنن." پس روز ششم، خدا مرد و زن رو آفرید. (مرد و زن را بکشید). مرد و زن برای خدا خیلی خاص بودن. می‌دونی چرا؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). چون شبیه خدا بودن! یعنی می‌تونستن فکر کنن، احساس کنن، چیزایی رو درست کنن و حرف بزنن.»

«شما حیوونی رو می‌شناسین که بتونه حرف بزنه؟ پرنده چطور؟ ماهی؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). درسته، ما تنها آفریده‌های خدا هستیم که می‌تونیم حرف بزنینم. خدا ما رو خیلی دوست داره که به ما این توانایی رو داده که بتونیم همه این کارها رو انجام بدیم. می‌دونین ما تنها کسایی هستیم که می‌تونیم با خدا حرف بزنینم و باهاش رابطه داشته باشیم؟ به خاطر همین ما رو آفریده! او می‌خواست ما رو بشناسه و با ما دوست باشه. این خیلی شگفت‌انگیزه که خدا انقدر به ما اهمیت می‌ده! مگه نه؟ (دور مرد و زن، یک قلب بکشید). ما واقعاً برای خدا خاصیم!»

«پس خدا یه باغ خیلی بزرگ و قشنگ به اسم «عَدَن» رو به زن و مرد داد تا توش زندگی کنن. خدا بهشون گفت که باید از همه چیزای اطرافشون مراقبت کنن! خدا برای انجام این کار به اونا اعتماد کرد! پس خدا به چیزایی که در روز ششم آفریده بود نگاه کرد و گفت: "نیکوست." او به خاطر همه چیزایی که آفریده بود، خیلی خوشحال بود! (یک چهره خندان بکشید).»

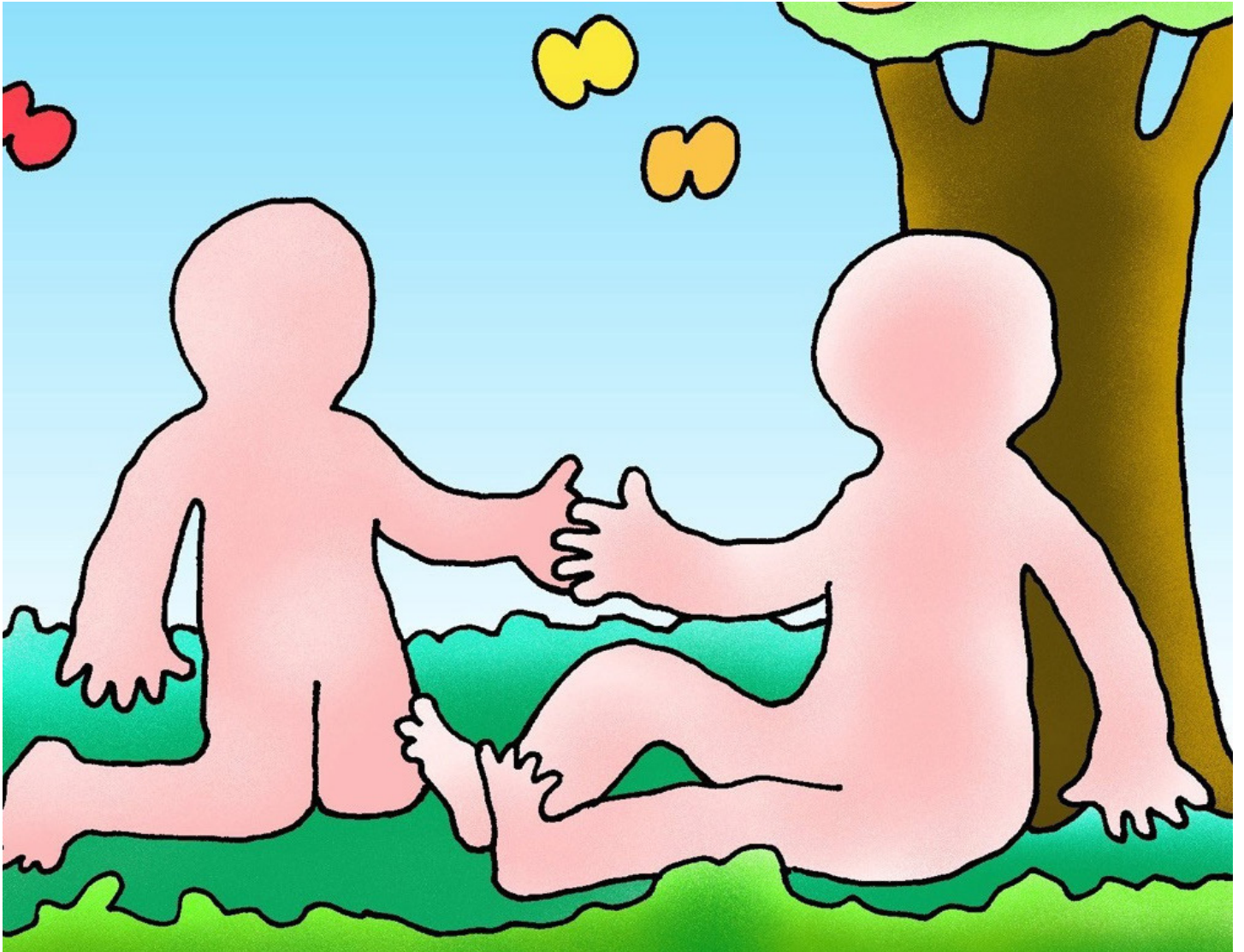
«در آخرین روز هفته، یعنی روز هفتم، خدا تصمیم گرفت که... نظر شما چیه؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). دیگه باید چی درست می‌کرد؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). دیگه چیزی نمونده بود که بخواد درست کنه! واسه همین استراحت کرد. خدا نیازی به استراحت نداشت، اما استراحت کرد تا به ما نشون بده که ما هم باید استراحت کنیم. شاید می‌خواست دوباره به همه کارهایی که کرده بود نگاه کنه و از نیکویی اونا لذت ببره! این دقیقاً همون چیزی بود که می‌خواست! خدا خوشحال بود. داستان خلقت اینجا تموم می‌شه.»













ببین (تفکر درباره کاربرد آن)

بگویید: «به نظرتون انجام این همه کار تو شش روز، خیلی زیاد نیست؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). بله، اما خدا بزرگ و قدرتمنده! او خیلی به فکر ما بوده که همه این چیزا رو برامون آفریده. حالا من به هر کدوم از شما یه برگ درخت می‌دم و می‌خوام که بهش نگاه کنین. (به هر نفر یک برگ از برگ‌هایی که جمع آوری کرده‌اید، بدهید). لطفاً مراقب باشین که نشکنن. حالا به برگ دوستتون نگاه کنین و ببینین چه فرقی با هم دارن. آیا همشون یه شکلن؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). نه، اونا با هم فرق دارن. خدا همه چیز رو متفاوت از هم آفریده. هیچ دو برگی مثل هم نیست، هیچ دو ستاره‌ای مثل هم نیست، هیچ دو دونه برفی مثل هم نیست...»

«حالا، همه این برگ‌ها رو روی زمین بذارین و اونا رو با هم قاطی کنین. (برگ‌ها را با هم مخلوط کنید). می‌تونین برگ خودتون رو پیدا کنین؟ (اجازه دهید که سعی کنند برگ را پیدا کنند). خیلی سخته بدونین کدوم یکی مال شماست. مگه نه؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). چرا؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). پاسخ‌های احتمالی: چون اونا خیلی شبیه به هم هستنند، چون ما اونا رو نساختمیم، چون ما وقت زیادی رو با اونا سپری نکردیم). جای نگرانی نیست! خدا می‌دونه! خدا تک‌تک این برگ‌ها رو می‌شناسه و می‌دونه که چه فرقی با هم دارن!»

«حُب، حالا بیاین به خودمون نگاه کنیم. به دستامون، صورتمون، بدنمون. بدن شما مثل بدن دوستتونه؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). نه، همه با هم فرق داریم. صورت شما، دستاتون و بدنتون، چه فرقی با دوستتون داره؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند، به رنگ چشم‌هایشان اشاره کنید، به دست‌هایشان، پاهایشان، بینی‌شان...). ماها هم با همدیگه فرق می‌کنیم. به خاطر همین خدا ما رو متفاوت آفریده. واقعیت اینه که هیچ دو آدمی توی دنیا دقیقاً مثل هم نیستن (اجازه دهید که پاسخ دهند). کار خیلی زیادی لازمه تا هر کدوم از ما متفاوت آفریده بشیم! مگه نه؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). بله، همین‌طوره، اما خدا خیلی درباره خلقتش فکر کرد. می‌دونین خدا حتی از تعداد موهای سرتون هم خبر داره! این شگفت‌انگیز نیست؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). متی ۱۰: ۳۰ می‌گه: "حتی همه موهای سر شما شمرده شده است." چه جالب! خدا انقدر ما رو دوست داره که هر کدومون رو با جزئیات خاصی آفریده. او همه چیز رو درباره ما می‌دونه! ما خیلی براش خاص هستیم. ما خلقت خاص هستیم!»



دعا برای نیازهای کودکان:

از بچه‌ها بپرسید که چه نگرانی‌هایی دارند و از بچه‌های دیگر بخواهید که برای آنها دعا کنند. نباید هیچ فشار و اجباری وجود داشته باشد. فقط بپرسید که چه کسی داوطلب این کار می‌شود. اگر هیچ داوطلبی نبود، معلم خودش برای آنها دعا کند. هیچ نیازی بیش از اندازه کوچک نیست و هیچ کس نباید به خاطر نیازها یا درخواست‌هایش مورد انتقاد یا تمسخر قرار گیرد. وقتی بچه‌ها حرف‌های دلشان را در کلاس مطرح می‌کنند، اطمینان حاصل کنید که رفتار محترمانه و مورد اهمیت واقع شدن وجود داشته باشد. این کلاس باید مکانی امن برای بیان حرف‌های کودکان باشد. همچنین، از آنها بخواهید چیزهایی را که می‌خواهند به خاطر آن از خدا تشکر یا او را ستایش کنند، مطرح کنند. شاید این هفته اتفاق خوبی برای آنها افتاده که به نوعی می‌توانند عمل خدا را در زندگی‌شان ببینند. خیلی خوب است بچه‌ها را تشویق کنید که از سنین کم «برکات» خود را شمرده و خدا را به خاطرشان شکر کنند. بدین وسیله، سپاسگزار خدا، که شایسته آن است، هستند و خدا را با شکرگزاری پرستش می‌کنند.



آیه حفظی:

اکنون زمان خوبی برای یادگرفتن یک آیه است. آنها را تشویق کنید که آن را به خاطر بسپارند. (آیه حفظی، همان آیه کتاب مقدس است که در بالا عنوان شد).

بَر (آن را در عمل به کار ببرید)

کلاژ (تکنیک تکه چسبانی) اثر دست- شما به رنگ قابل شستشو و کاغذ نیاز دارید تا یک کلاژ گروهی بسازید.



بگویید: «امروز می‌خوایم یه کلاژ با جای دستامون درست کنیم. می‌دونین کلاژ چیه؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند.) یعنی همه ما می‌خواهیم روی این کاغذ سفیدی که اینجاست، جای دستامون رو بذاریم. چون جای دست همه ما با هم فرق داره، ترکیبی از اندازه‌ها و شکل‌های مختلف رو می‌بینیم. این ترکیب یه کلاژ می‌سازه. این جا دست‌های مختلف ما رو متوجه این موضوع می‌کنه ما چقدر با هم فرق داریم. این کاردستی رو همین‌جا نگه می‌داریم تا یادمون بمونه که چقدر خاص هستیم!»

(پیشنهاد می‌کنم که به هر کودک یک رنگ بدهید که با آن کار کند، به این ترتیب شما می‌توانید اثر دست‌ها را شناسایی کنید. به‌عنوان پیشنهاد برای نقاشی، شما می‌توانید جای دست‌های آنها را بکشید و آنها را در کنار هم بر روی دیوار نصب کنید، اگرچه این کار بیشتر با کمک معلم انجام می‌شود. در تصویر نهایی بنویسید: «ما عجیب و مهیب ساخته شده‌ایم»). آماده‌این؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند.) عالیه. بیاین شروع کنیم (به آنها یادآوری کنید که دست‌های خود را در کنار خود نگاه دارند، چون اگر مواظب نباشند، همه جا رنگی می‌شود).

وقتی کار تمام شد و دست‌هایشان را شُستند، بگویید: «حُب، حالا ازتون می‌خوام که این هفته دنبال چیزایی بگردین که وقتی بهشون نگاه یا فکر می‌کنین، به‌خاطرش خدا رو شکر می‌کنین. همین‌طور، همه چیزایی رو که شما رو از بقیه متفاوت می‌کنه، بنویسین و هفته دیگه بهمون بگین. همچنین، بهتون پیشنهاد می‌کنم که اطرافیاانتون رو با گفتن اینکه چقدر برای خدا خاص هستن و خدا دوستشون داره، تشویق کنید. (هفته بعد درباره فرصت‌هایی که در طول هفته برای انجام این کارها داشتند، از آنها سؤال کنید).



فعالیت‌های اضافه:

- تصاویر کتاب داستان، به جای نقاشی کردن داستان
- سرودهایی که با آن بتوانید حرکات مخصوص بسازید. مثلاً در جایی دست بزنید، پای بکوبید، با تغییر حالت صورت احساسی را نمایش دهید و... .
- بازی ترتیب خلقت: کارت‌های شماره ۱ تا ۷ و تصویرهای مربوط به آنها را آماده کنید. از بچه‌ها بخواهید که آنها را با هم جفت کنند و به ترتیب در کنار یکدیگر قرار دهند.
- ترسیم فرم بدن و تزئین آن: فرم بدن آنها را روی یک مقوای بزرگ بکشید. از آنها بخواهید که آن را به همان شکلی که خود را می‌بینند، تزئین کنند و بنویسند که در چه چیزهایی خاص هستند.
- کتاب خلقت: آنها می‌توانند رنگ آمیزی کنند و یک کتاب خلقت بسازند.
- خمیربازی: از آنها بخواهید به شما نشان دهند که در هر روز از داستان خلقت چه چیزی آفریده شد. سپس از آنها بخواهید که آن را درست کنند.

راهنمایی‌هایی برای تنظیم فعالیت‌ها بر اساس سنین پایین‌تر یا بالاتر:

برای زیر ۴ سال:

- صفحات رنگ‌آمیزی
- خمیربازی مطابق پیشنهاد بالا، اما بدون این استرس که دقیقاً آن را به همان شکلی که آموخته‌اند، بسازند. به جای اینکه آنها را به تنهایی به دستشویی بفرستید، کاسه آبی در دسترس داشته باشید تا دست‌هایشان را بشویند. نباید آنها را به تنهایی به دستشویی بفرستید. برای درست کردن اثر دست‌ها، اگر لازم است، دست آنها را بگیرید. به خاطر اینکه آنها به راحتی حواس‌شان پرت می‌شود، نیاز به راهنمایی بیشتری دارند.

برای بالای ۱۱ سال: آریگامی. از آنها بخواهید که با استفاده از راهنمایی‌های فراهم شده یا با استفاده از تخیلات خود، از هیچ چیز، چیزی بسازند. از آنها بخواهید که در درست کردن اثر دست‌ها به بچه‌های کوچک‌تر کمک کنند.



ارزیابی درس: خودآزمایی

- ۱- آیا بعد از کلاس، بچه‌ها توانستند به شما بگویند که چه چیزهایی در آن شش روز خلق شد؟ (ترتیب کار مهم نیست، بلکه بگویند که چه چیزهایی خلق شد).
- ۲- آیا بچه‌ها متقاعد شدند که چقدر در نظر خدا خاصند و او آنها را دوست دارد و به آنها اهمیت می‌دهد؟
- ۳- آیا بچه‌ها فرقی بین خلقت زن و مرد، و خلقت حیوانات را درک کردند؟
- ۴- آیا بچه‌ها بدون کلافگی قادر به انجام فعالیت‌ها بودند؟ یا وقت کافی نداشتند؟
- ۵- آیا آنها توانستند به تنهایی و بدون دخالت معلم، این فعالیت را تکمیل کنند؟ (اشکالی ندارد که کمک کنید، اما دخالت نکنید).
- ۶- بچه‌ها تا چه حد توانستند به موضوع توجه کنند؟ آیا به نظر می‌رسید که قادر به درک نیستند یا علاقه‌مند بودند؟
۷. آیا توانستید بچه‌هایی را که فکر نمی‌کردند خاص هستند و خود را تحقیر می‌کردند، تشویق کنید؟



تکلیف در منزل برای کودکان

- دیگران را با بیان این مطلب که چقدر برای خدا و برای شما خاص هستند، تشویق کنید. به چیزهایی فکر کنید که آنها را از بقیه متمایز می‌کند. خدا را به خاطر خلقت و چیزهایی که از آن لذت می‌برید، شکر کنید.
- آیهٔ حفظی را به خاطر بسپارند (در این قسمت، جایزه آنها را تشویق می‌کند).



خدا حافظی:

سرود خدا حافظی



خمیر بازی خانگی

- زمان مورد نیاز برای تهیه: ۵ دقیقه
- زمان مورد نیاز برای پخت: ۵ دقیقه
- کل زمان مورد نیاز: ۱۰ دقیقه

مواد مورد نیاز:

- ۱ پیمانه آرد
- ۱ پیمانه آب
- ۲ قاشق چایخوری کرم تارتار
- ۳/۱ پیمانه نمک
- ۱ قاشق غذاخوری روغن گیاهی
- رنگ غذا





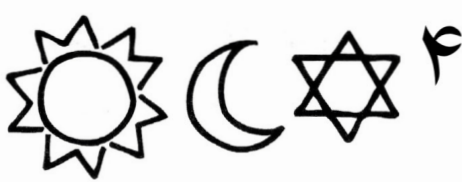

طرز تهیه:

- ۱- در یک ماهیتابه، همه مواد، به غیر از رنگ غذا، را با یکدیگر مخلوط کنید.
- ۲- بر روی شعله کم/متوسط آن را بپزید و هم بزنید. وقتی غلیظتر شد، رنگ غذا را اضافه کنید.
- ۳- به هم زدن ادامه دهید تا زمانی که این ترکیب غلیظتر شود و دور قاشق جمع شود.
- ۴- خمیر را روی کاغذ روغنی یا یک بشقاب بگذارید تا سرد شود.

نکته:

در کیسه‌های پلاستیکی زیپ‌دار یا ظروف دردار نگهداری کنید.



<p>برای ترسیم انفجار نور از M استفاده کنید؛ بعد ۱ را اضافه کنید</p>  <p>۲</p>	<p>با رنگ تیره خط خطی کنید</p>  <p>۱</p>
<p>برای ترسیم کوهها از M استفاده کنید. بعد ۲ را اضافه کنید</p>  <p>۴</p>	<p>با خطوط منحنی آسمان را بکشید؛ با ترسیم 3 ابرها را بکشید؛ برای ترسیم آب از U استفاده کنید. بعد ۲ را اضافه کنید</p>  <p>۳</p>
<p>با یک دایره و M خورشید را بکشید؛ با C ماه را بکشید، با استفاده از مثلث، ستاره ها را بکشید. بعد ۴ را اضافه کنید</p>  <p>۶</p>	<p>با ترسیم 3 گله و بوته ها را بکشید، با ترسیم O توتها و کدو حلوایی را بکشید</p>  <p>۵</p>



با ترسیم مثلث، C و S، موش بکشید.
گوشها، پاها و چشم را اضافه کنید



۸

با ترسیم U وارونه و S، اختاپوس
بکشید. بعد ۵ را اضافه کنید



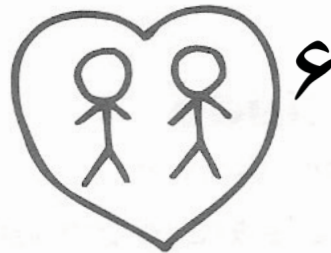
۷

یک چهره خندان بکشید

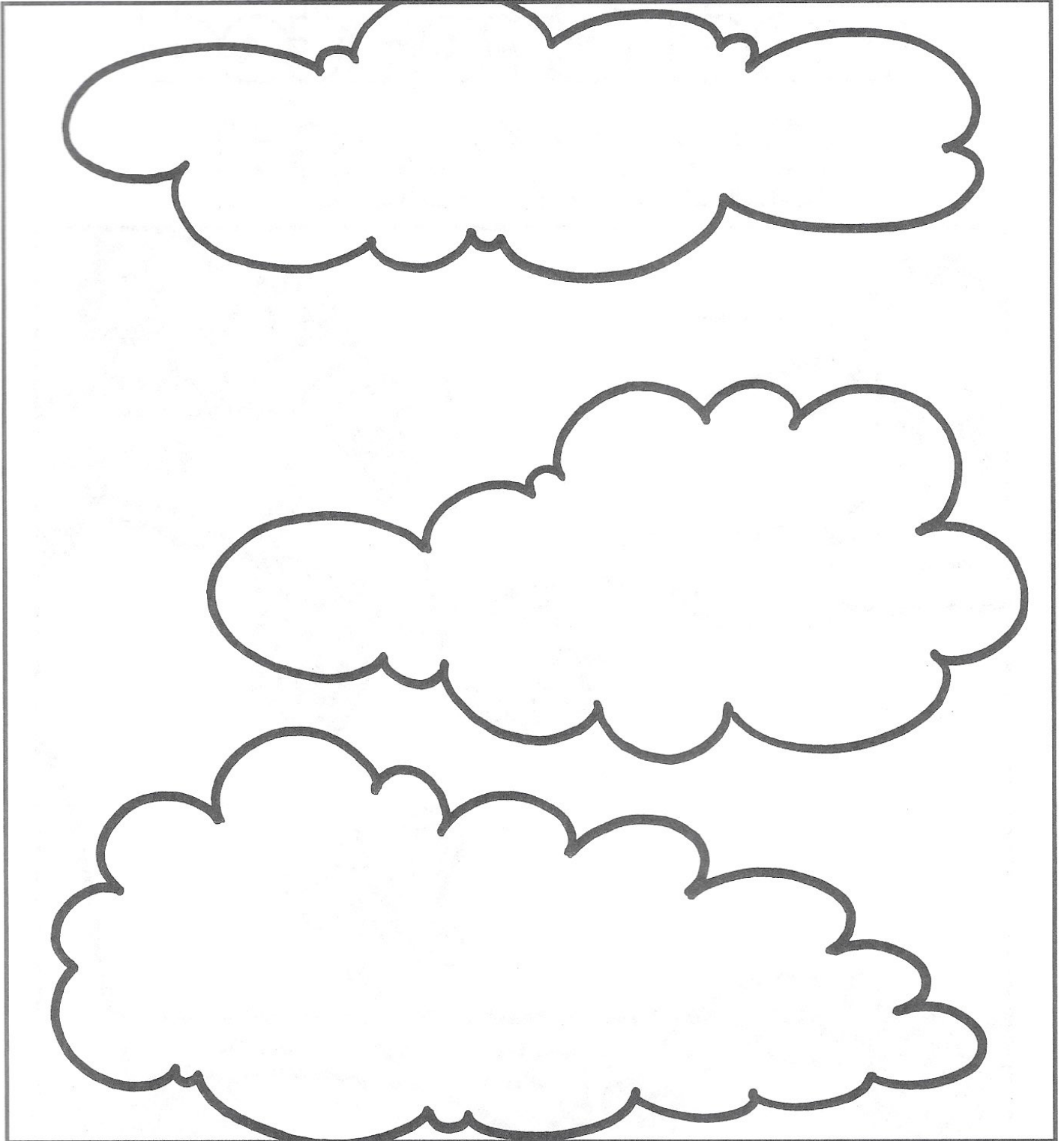


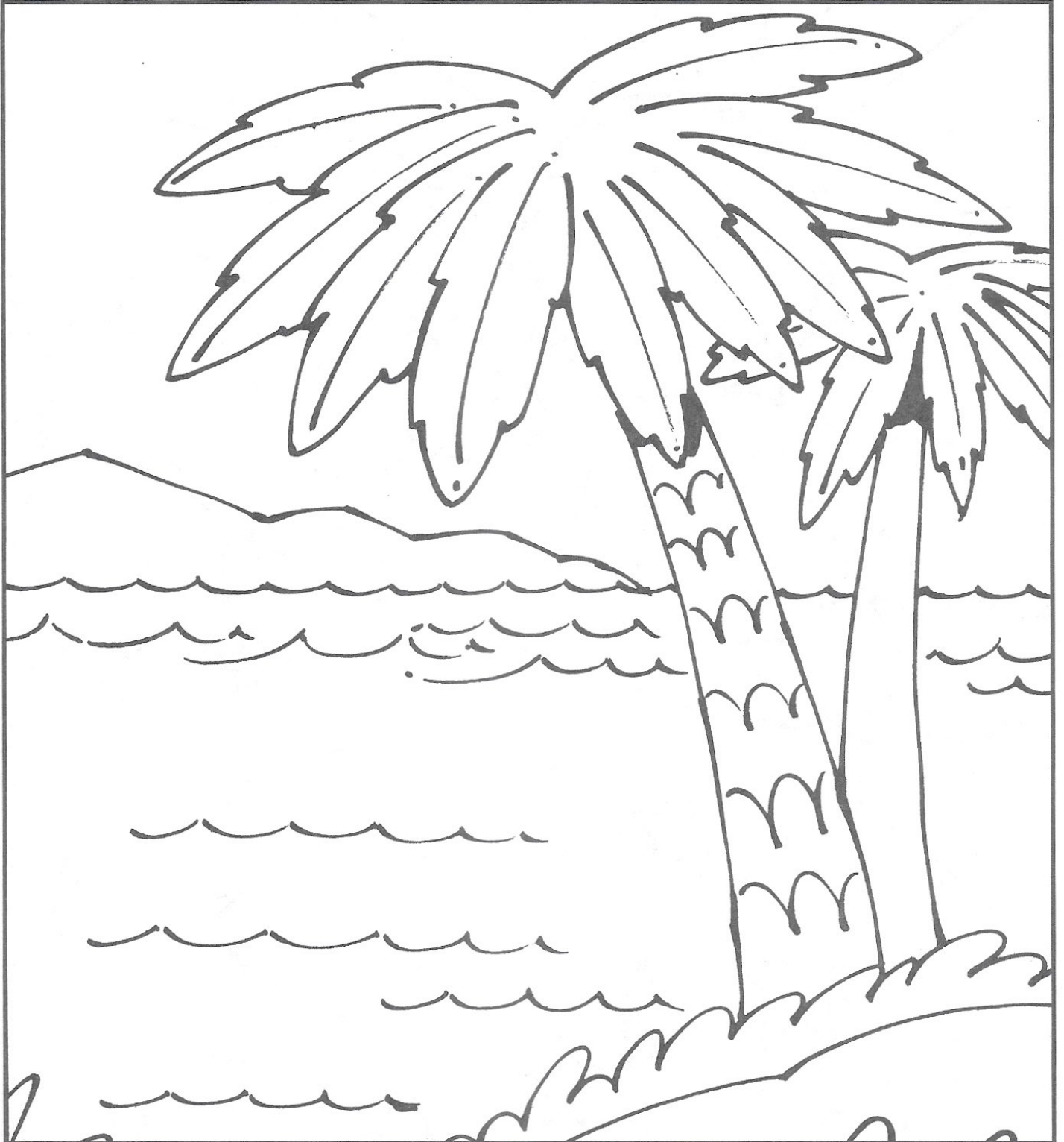
۱۰

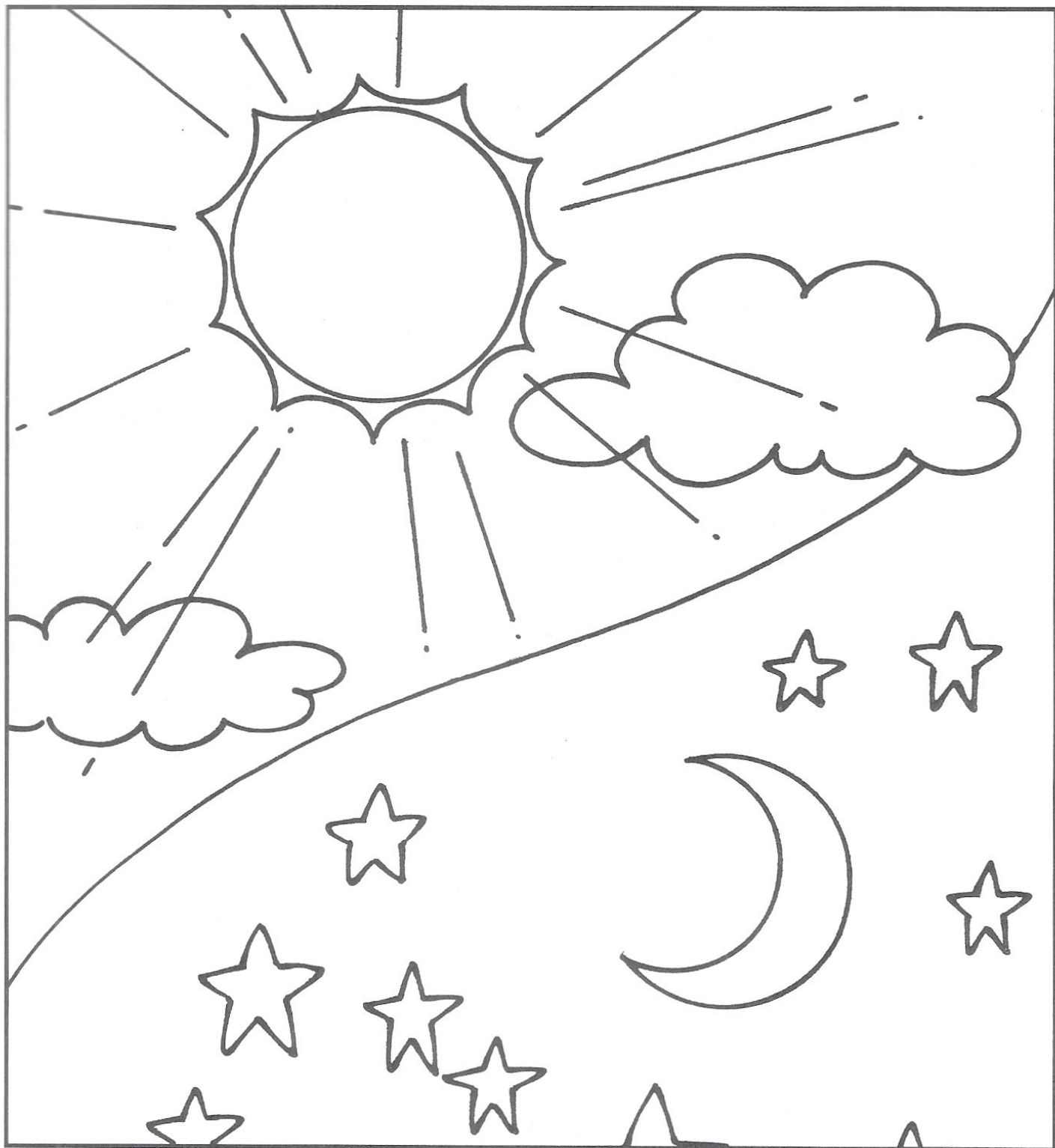
با استفاده از خطوط آدم بکشید. قلب را
اضافه کرده و بعد ۶ را اضافه کنید

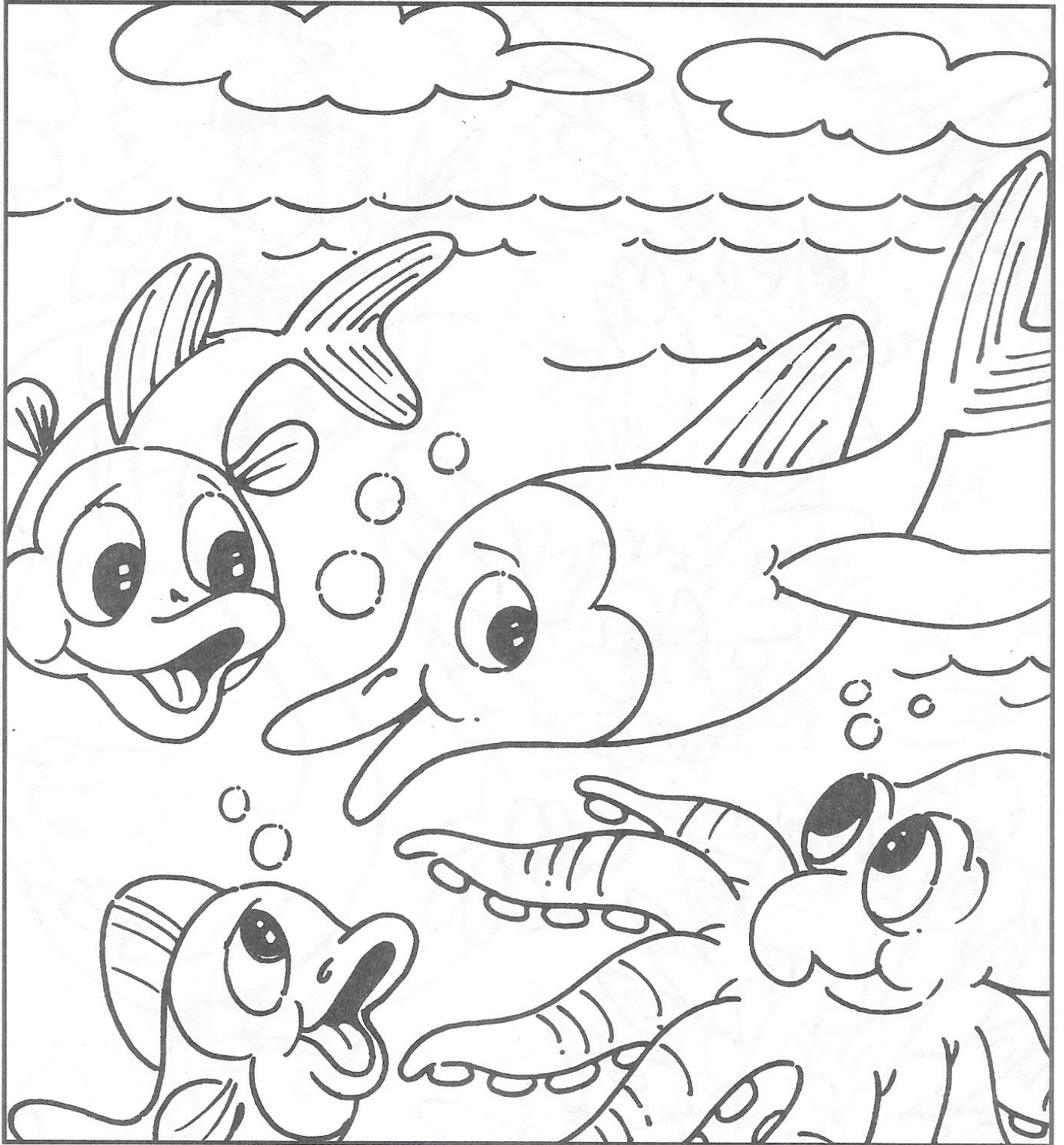


۹











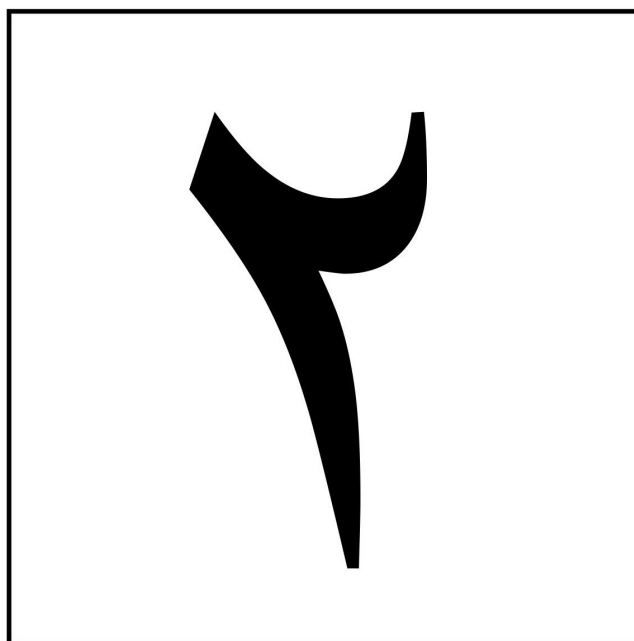
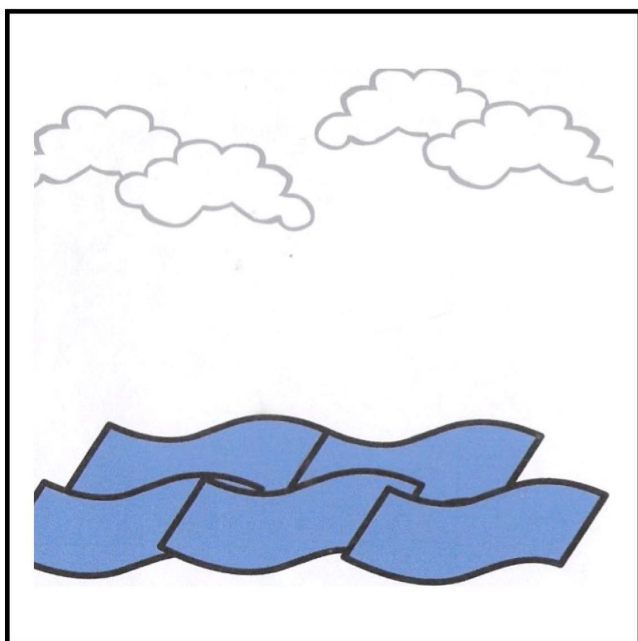
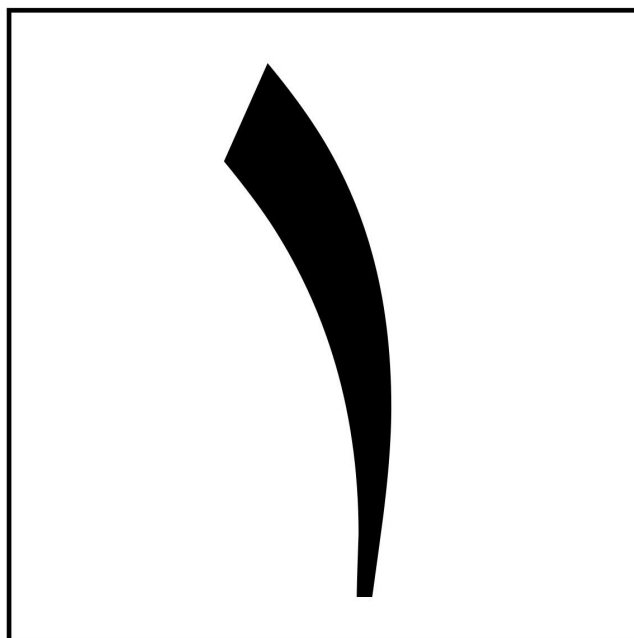
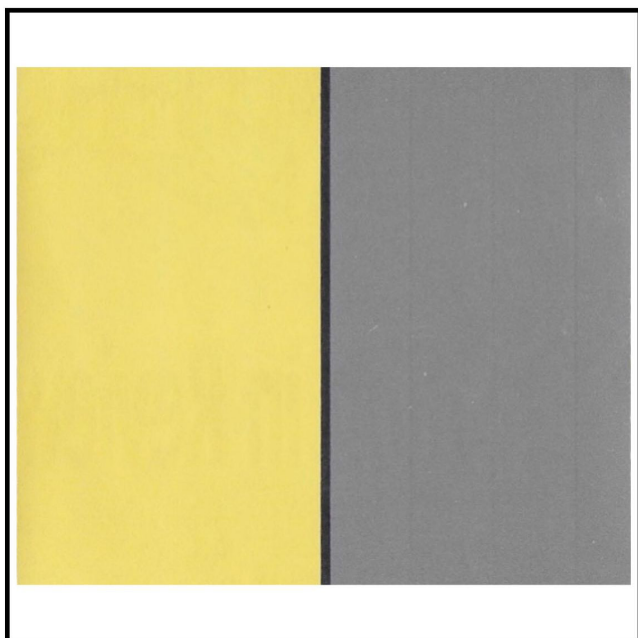


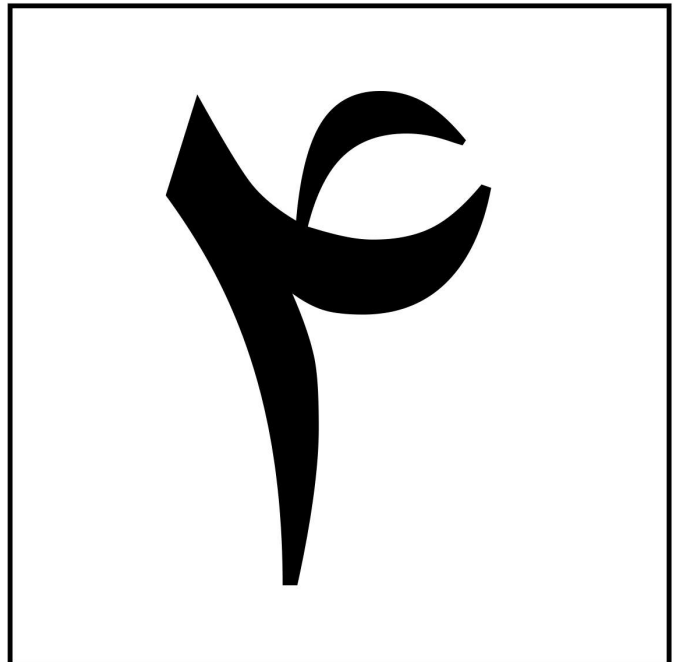
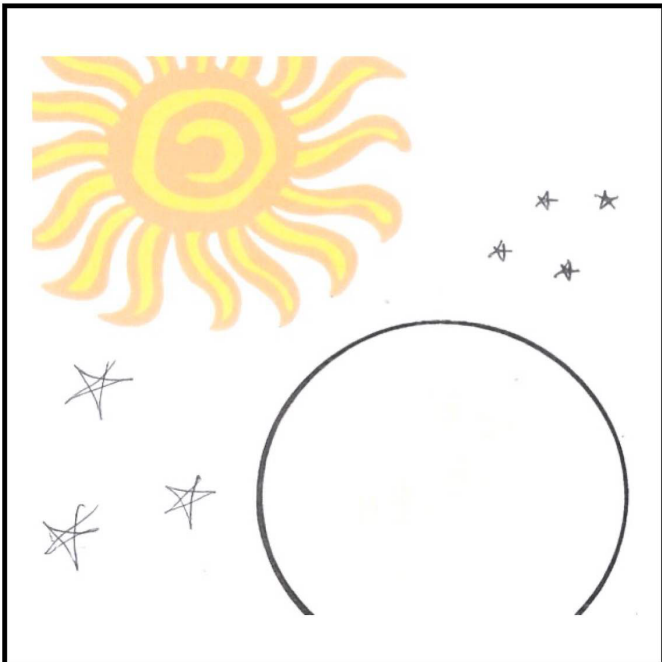
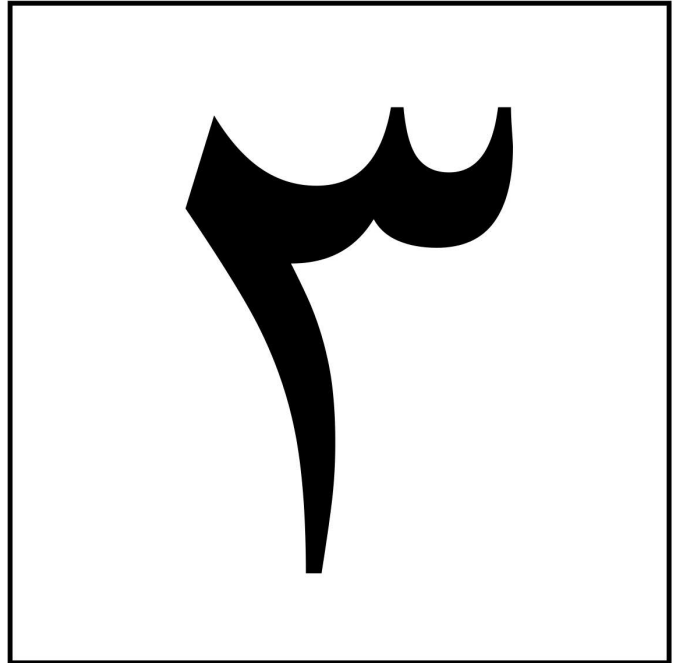
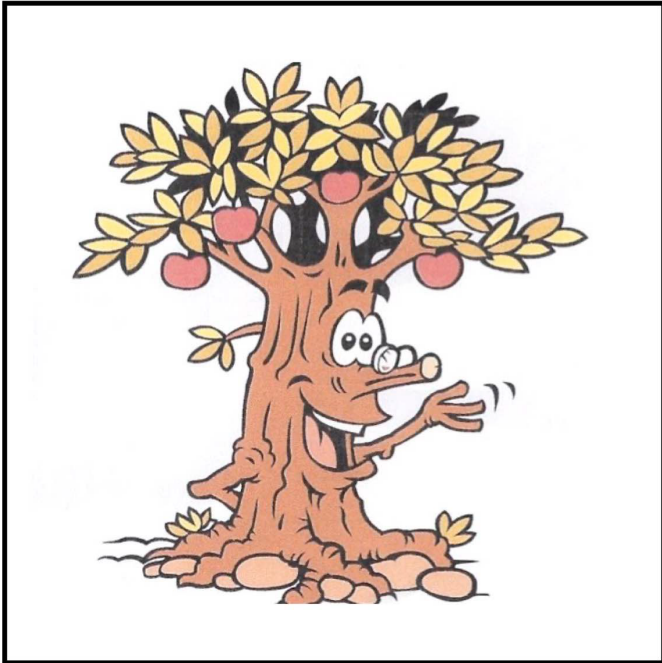


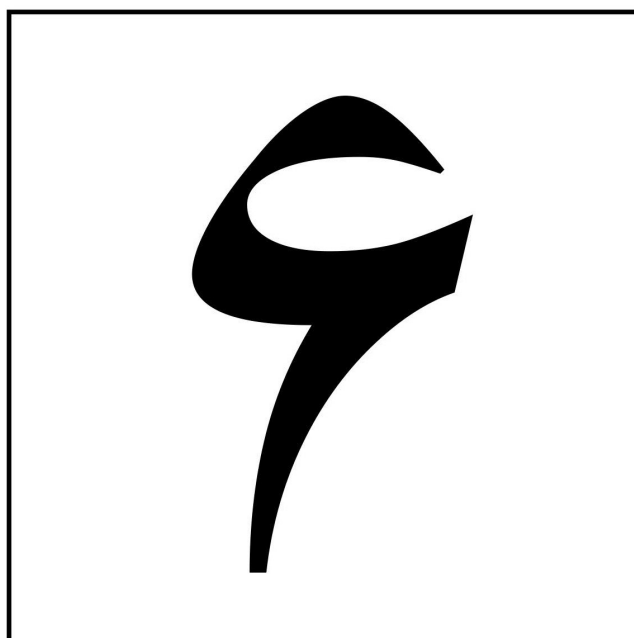
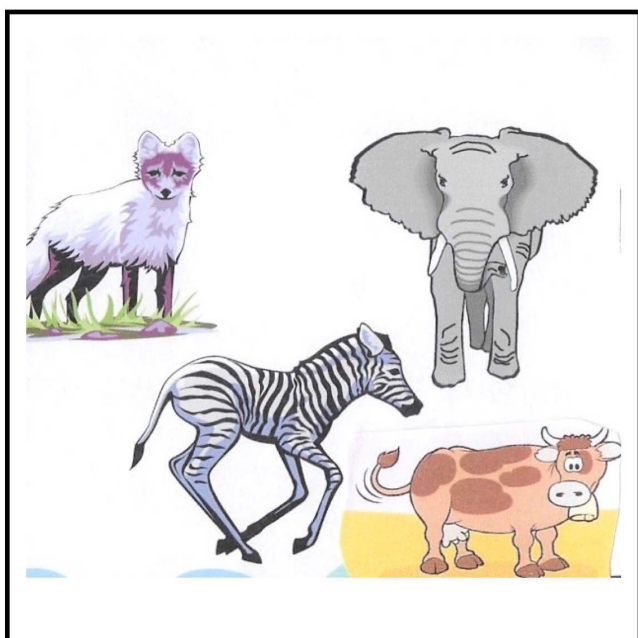
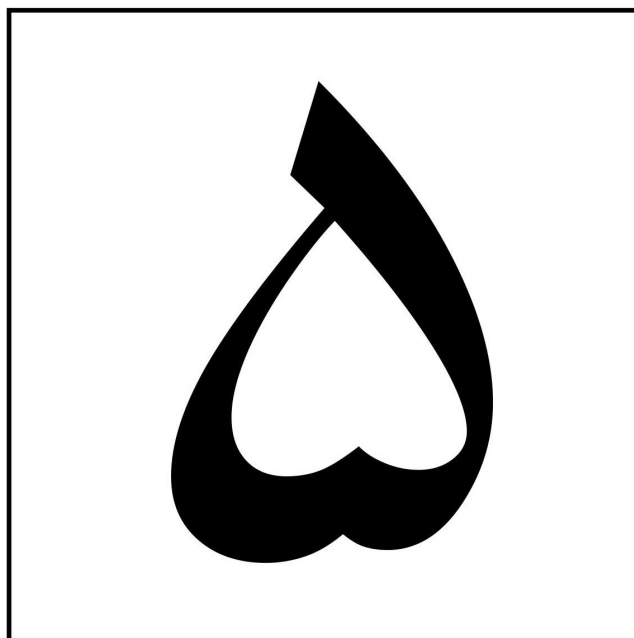
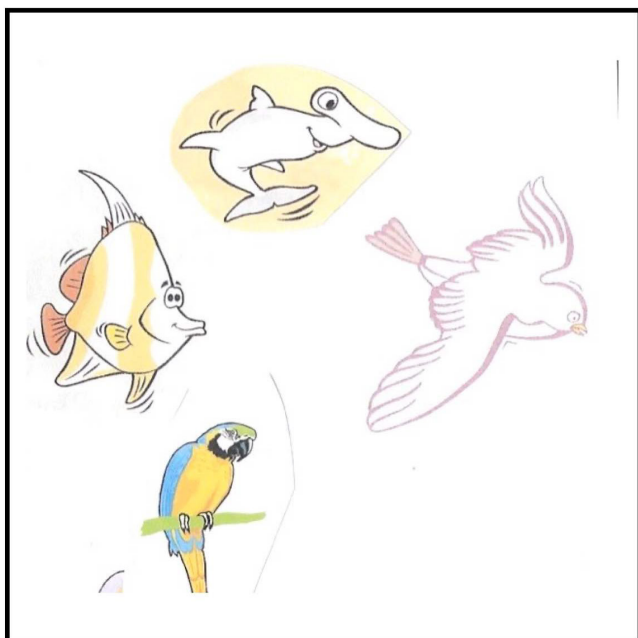


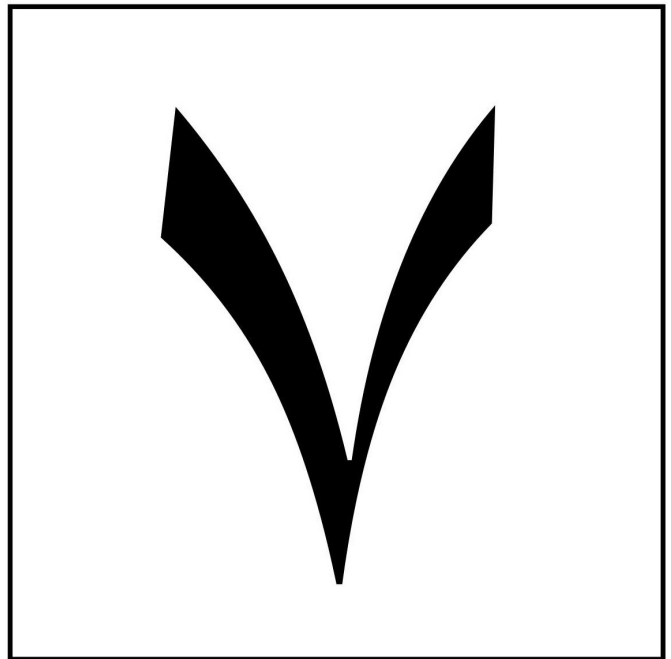
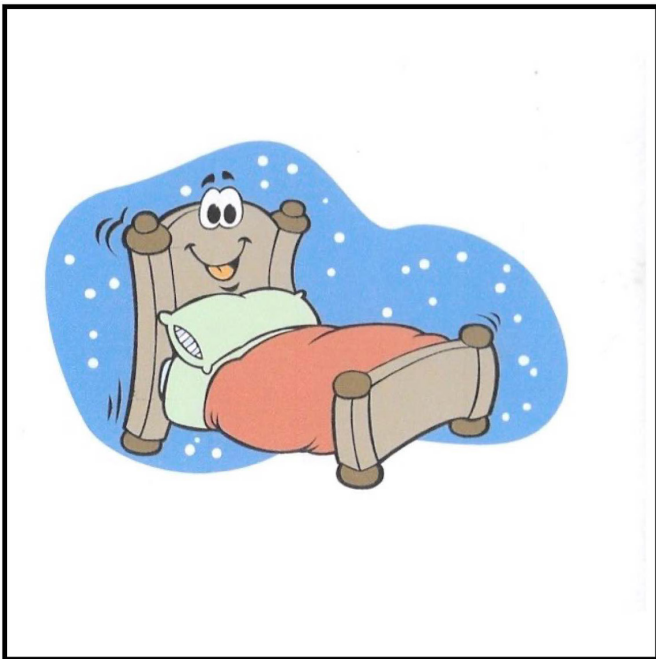
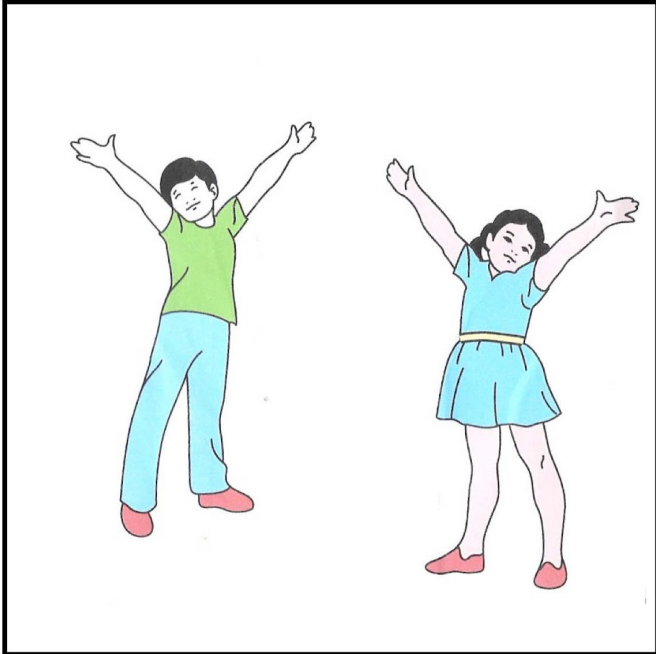


بازی ترتیبِ خلقت











کتاب خلقت

کتابچه های DLTK

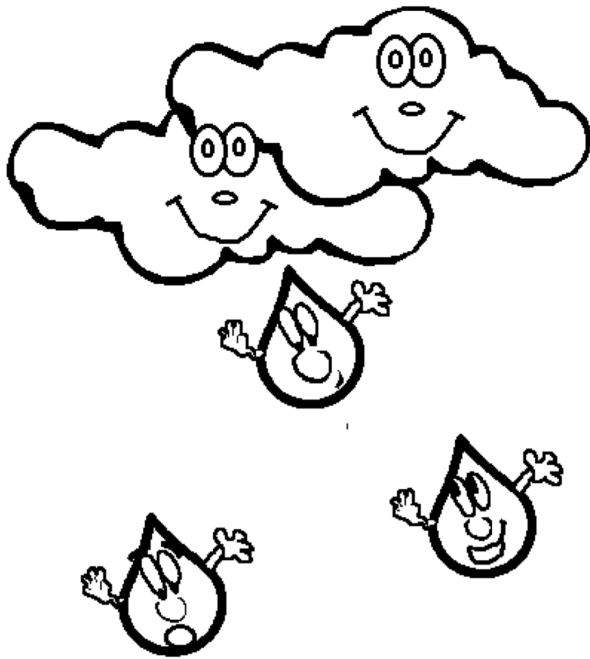
خلقت



رنگ آمیزی توسط: _____

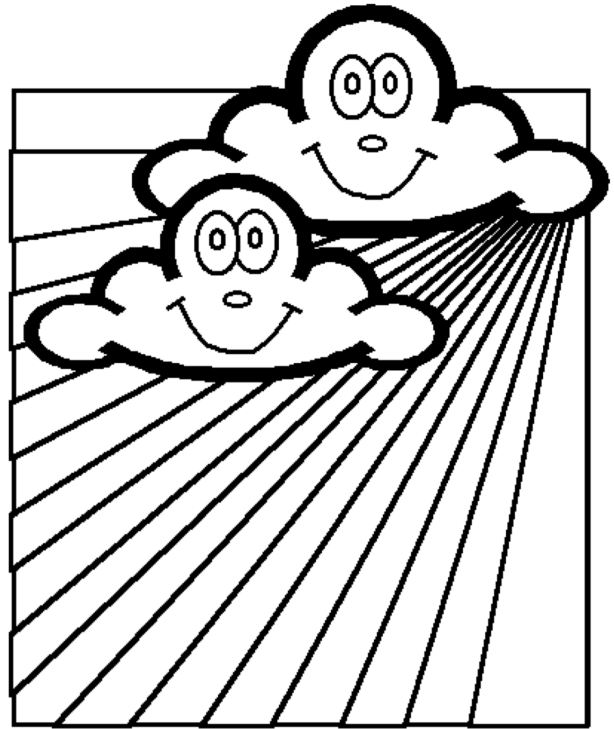
تهیه شده توسط: لین گونتر





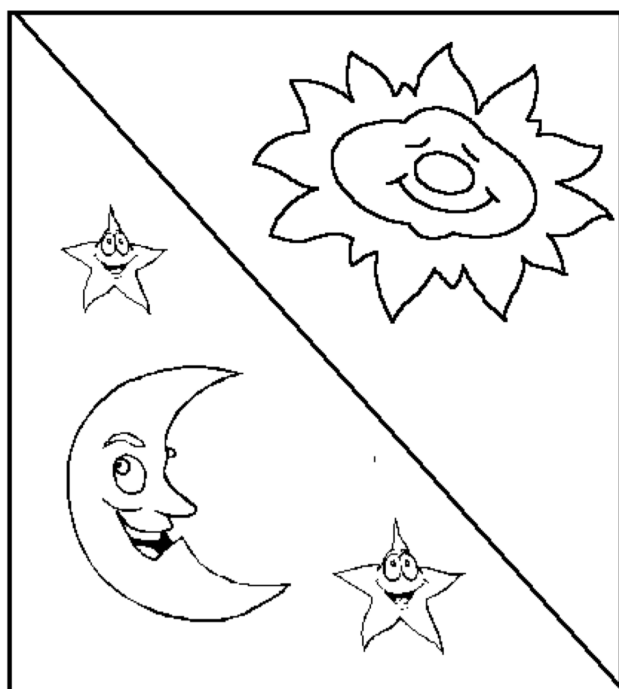
در روز دوم، خدا
آسمان و آب را آفرید.

۲



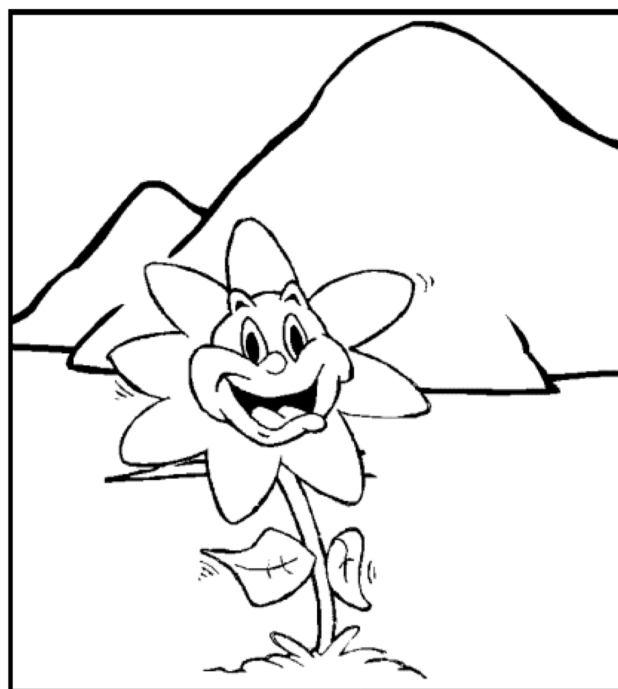
در روز اول، خدا نور
را از تاریکی جدا کرد.

۱



در روز چهارم، خدا
خورشید، ماه و
ستارگان را آفرید.

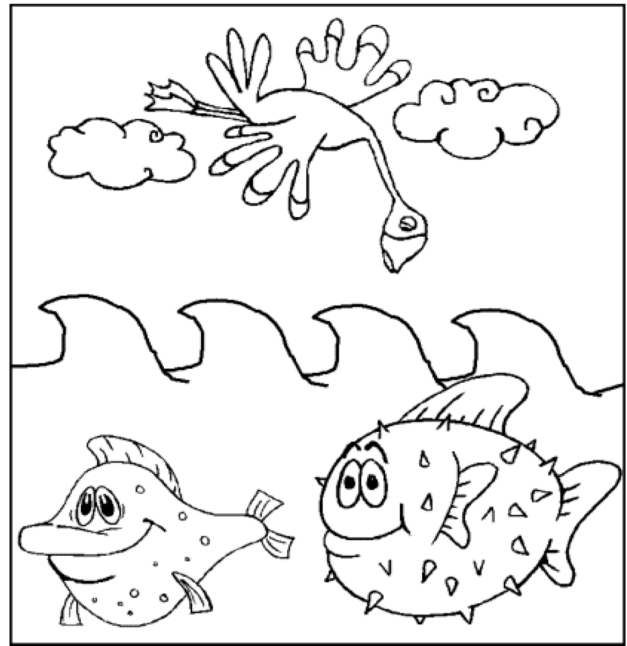
۴ ۳



در روز سوم، خدا زمین
خشک و گیاهان را آفرید.



در روز ششم،
خدا حیوانات و
انسان را آفرید.

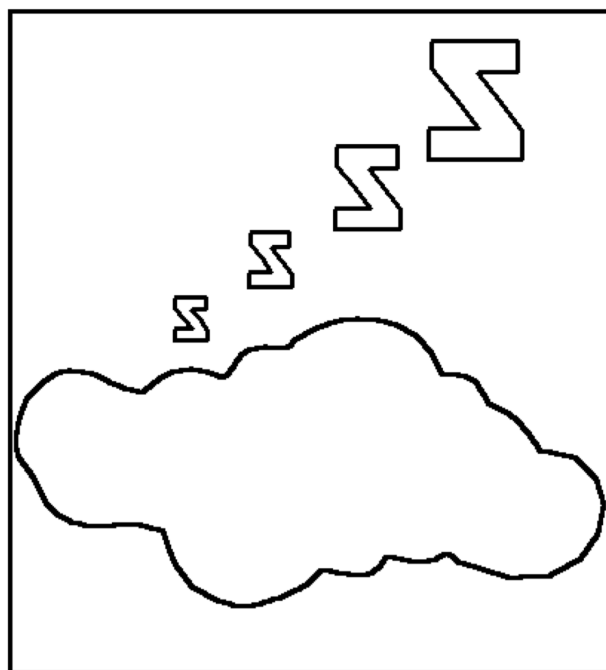


در روز پنجم، خدا پرندگان
آسمان و ماهیهای
اقیانوسها را آفرید.

۶ ۵



خدا همه چیز را آفرید.
او خالق است.
او شما را دوست دارد!



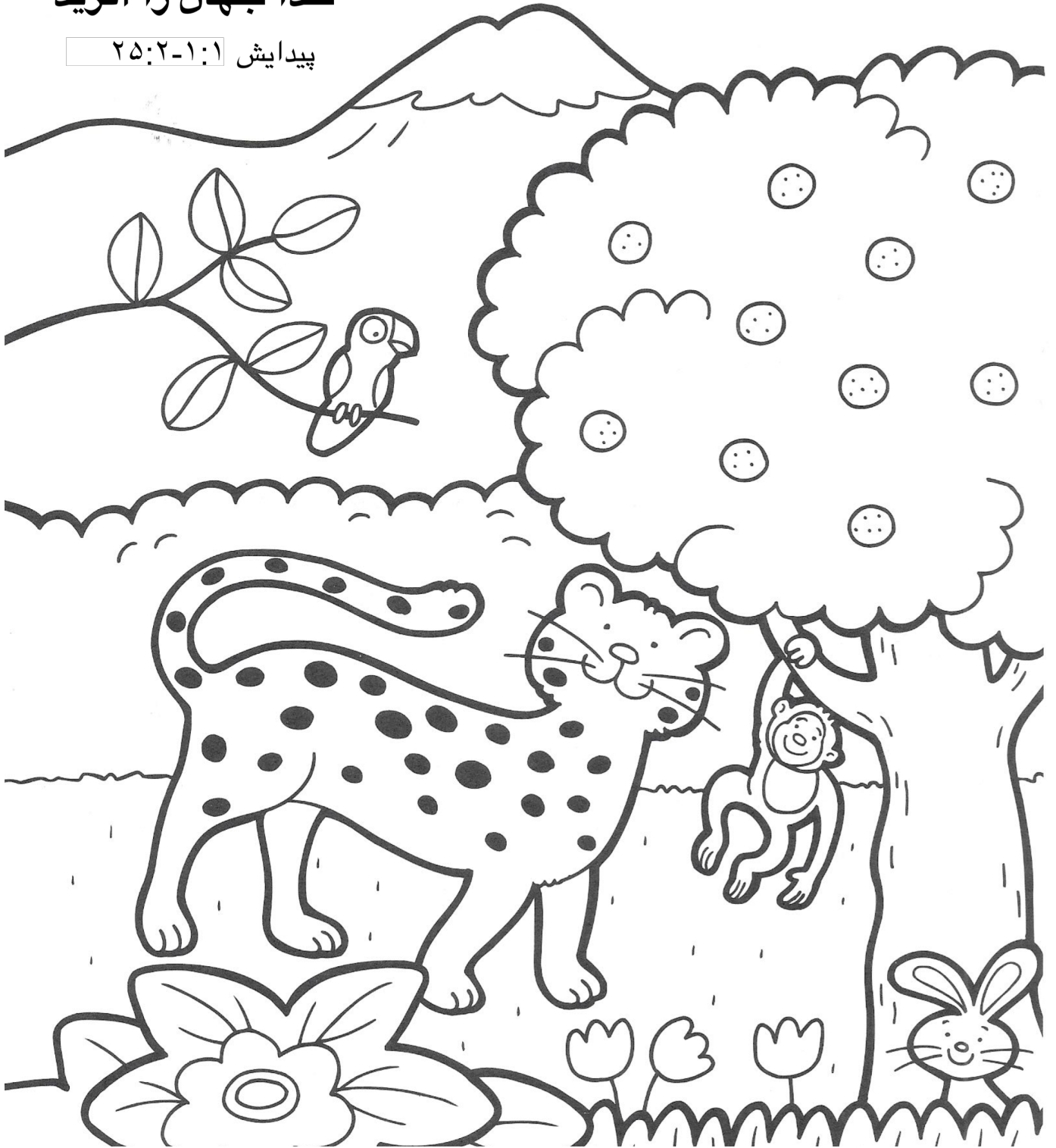
در روز هفتم، خدا
استراحت کرد.

۸ ۷



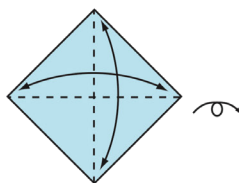
خدا جهان را آفرید

پیدایش ۱: ۱-۲: ۲۵

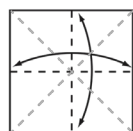




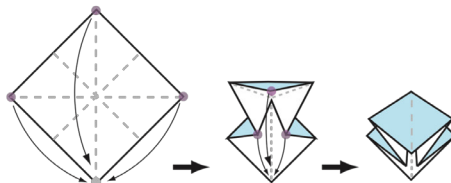
اُریگامی (ساخت چیزهای مختلف با استفاده از کاغذ) پرنده اویز



۱. با یک تکه کاغذ مربع شکل آغاز کنید. قسمت رنگی کاغذ در مقابلتان باشد. مانند تصویر، دو بار از وسط تا کنید تا این خطوط را ایجاد کنید.



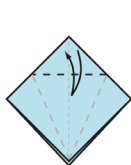
۲. کاغذ را برگردانید و قسمت سفید آن در مقابلتان باشد. کاغذ را از وسط تا کنید، به خوبی خط ایجاد کنید و بعد آنرا باز کنید، و سپس دوباره در جهت دیگر تا کنید.



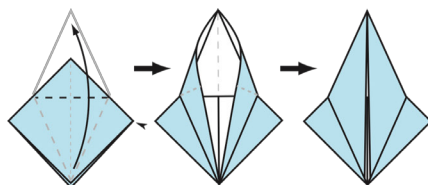
۳. با استفاده از خطوطی که ایجاد کردید، سه گوشه بالای الگو را به طرف گوشه پایین بیاورید. الگو را مطابق تصویر صاف کنید.



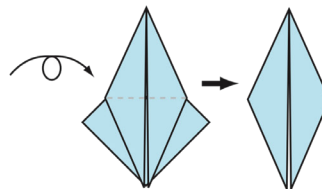
۴. برگه های مثلثی شکل بالا را به طرف مرکز تا کنید بعد آنرا باز کنید.



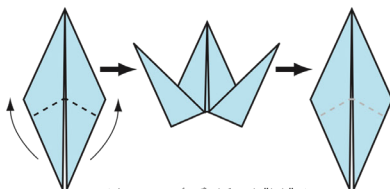
۵. بالای الگو را به طرف پایین تا کنید، به خوبی خط ایجاد کرده و باز کنید.



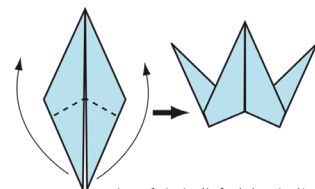
۶. برگه بالای الگو را باز کنید، آنرا به طرف بالا بکشید و به طور همزمان دو طرف الگو را به داخل فشار دهید. آنرا صاف کنید، به خوبی خطوطی ایجاد کنید.



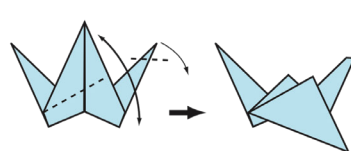
۷. الگو را برگردانید و قدمهای ۴-۶ را در طرف دیگر تکرار کنید.



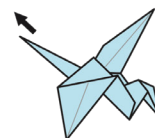
۸. "پاهای" را در کنار گوشه بیرونی، به طرف بالا تا کنید، سپس آنها را دوباره باز کنید.



۹. با استفاده از خطوطی که الان ایجاد کردید، این قسمتها را به طور معکوس، به طرف داخل تا کنید.



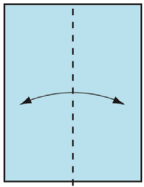
۱۰. سر را به طرف داخل تا کنید، و بالها را مطابق تصویر به طرف پایین تا کنید. سپس کمی آنها را باز کنید.



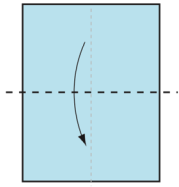
کار تکمیل شده پرنده اویز برای اینکه بالها به طرف جلو آویزان شوند، دم را بکشید.



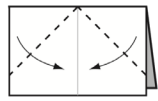
اُریگامی رُباینده



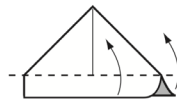
۱. با یک تکه کاغذ مستطیل شکل آغاز کنید. قسمت رنگی دو مقابلتان باشد. از وسط تا کنید. سپس آنرا باز کنید.



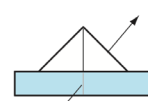
۲. از وسط به طرف پایین تا کنید.



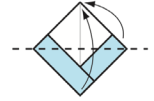
۳. گوشه ها را به طرف خط مرکزی بیاورید.



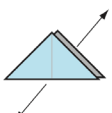
۴. لایه بالایی را به طرف بالا تا کنید و این کار را دو قسمت پشت نیز انجام دهید. به خوبی خط ایجاد کنید.



۵. دو طرف را به بیرون کشیده و صاف کنید.



۶. لایه جلویی را به طرف بالا تا کنید. سپس در قسمت پشت نیز این کار را تکرار کنید.



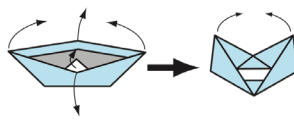
۷. دو طرف را از هم باز کرده و صاف کنید.



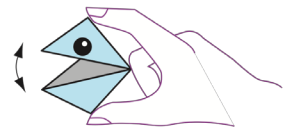
۸. به آرامی بخش بالایی الگو را به طرف بیرون بکشید. به شکل قایق درست کنید.



۹. به خوبی صاف کنید.



۱۰. این مثلث کوچک مرکزی را به طرف یکی از کناره ها تا کنید. سپس گوشه های بیرونی را به طرف یکدیگر ببرید. اجازه دهید که کناره ها به طرف بیرون بروند.



برای اینکه کار تکمیل شده رُباینده، باز و بسته شود، آنرا مطابق تصویر نگاه دارید و فشار دهید. با طراحی چشمها، خیلی بهتر می شود.



منابع

راهنمای طراحی داستان با کمک

Kids Time Curriculum God's Big Picture Leaders Guide, Copyright 1999 by Gospel Light, Ventura CA, USA, 93006 (برای استفاده در تبلیغات بازرگانی، آگهی یا فروش یک محصول یا خدمات ممنوع است).

تصاویر داستان برگرفته از

The Gigantic Book of Bible Stories, Copyright 2013 by Tyndale House Publishers Inc., Carol Stream Illinois, USA, 60188

تصاویر رنگ آمیزی برگرفته از

Bible Story Coloring Pages, by Gospel Light, Venture CA, USA, 93006, Illustrated by Chizuko Yasuda. تمامی حقوق محفوظ است (نباید برای اهداف بازرگانی به منظور کار در کلیساها و سازمانهای مسیحی بکار رود).
دستور خمیر بازی برگرفته از

<https://livingwellmom.com/easyrecipe-print/9533-0/>

کتابچه کوچک داستان خلقت، برگرفته از

dltk-bible.com/genesis/creation/book.html

راهنمای اُریگامی پرنده آویز، برگرفته از

<https://www.origami-fun.com/origami-flapping-bird.html>

راهنمای اُریگامی رُباینده، برگرفته از

<https://www.origami-fun.com/support-files/origami-snapper-print.pdf>

تصاویر بازی ترتیب خلقت، برگرفته از

dltk-bible.com

